

فرزندان تاریخ‌پرداز استر (۳)

علیرضا سلطانشاهی^۱

◆ آلیانس

در کتاب *کارنامه فرهنگی فرنگی در ایران* در مقاله‌ای مفصل راجع به آلیانس، جامع‌ترین تحقیق پیرامون آلیانس انجام شده که از برخی جهات چنین تحقیقی قابل نقد و ارزیابی است. یهودستیزی به عنوان مهم‌ترین عامل در پیدایی آلیانس در ایران و سایر کشورها در این تحقیق مورد توجه است و قابل تأمل اینکه در کتاب *فرزندان استر* نیز مهم‌ترین دلیل پیدایش آلیانس در جهان و ایران، شیوع یا گسترش یهودستیزی ذکر شده است و یهودیت عملاً در مخاطره جدی قرار گرفته و برای جلوگیری از گرایش روزافزون به تغییر دین در میان یهودیان، آلیانس شکل گرفته و گسترش یافته است. حال آنکه به نظر می‌رسد، دلیل موجه

۱. محقق و پژوهشگر.

دیگری در پیدایش این مدارس مهم در اروپا و آسیا مطرح بوده است، چرا که در هیچ‌یک از مقاطع حساس تاریخ یهودستیزی، راه چاره یا برون‌رفت از فضای تنگ و تاریک فعالیت‌های ضد یهودی تأسیس مدرسه و آموزش فرزندان یهودی نبوده است. در واقع یهودیان با مظلوم‌نمایی به دنبال توجیه تأسیس این مدارس بوده‌اند تا در آستانه علنی شدن جنبش ملی یهود در سال ۱۸۹۷ در بال سوئیس، یهودیان سراسر جهان با آموزش‌های متمرکز آلیانس با ایده صهیونیسم آشنا شده، مراحل تحقق تشکیل دولت یهود در فلسطین به عنوان اولین گام برداشته شود. آلیانس اولین و مهم‌ترین کلاس از شبکه جهانی آموزش صهیونیسم است که توسط سازمان جهانی صهیونیسم از اروپا سازماندهی شد و در سایر ممالک یهودی‌نشین گسترش یافت.



از اعترافات غیر مستقیم در صفحه ۱۹۵ از متن ترجمه *فرزندان استر* آن است که عده زیادی از یهودیان به بهائیت تغییر دین داده‌اند. این واقعیت در آثار «حبیب لوی» نیز مشهود است و جالب اینکه حبیب لوی مهم‌ترین دلیل گرایش یهودیان به بابیت را افزایش یهودستیزی در ایران دانسته است.^۱ در حالی که بهائیت در ایران عصر قاجار به ویژه بابیت در دوران امیرکبیر از فرق منفور موجود در آن عصر بوده و شدیداً از سوی مردم و دولتمردان با آن برخورد شده است و دلیلی ندارد که یهودیان برای رهیدن از یهودستیزی، به جای گرایش به دین غالب، به یک فرقه منفور روی آورند که دشمنی افزون‌تری را متوجه خود نمایند.

عده‌ای از محققین بر آن هستند که یهودی‌الاصل بودن بهائیان به ویژه در آن عصر، تنها به یک دلیل بوده است و آن تقویت بابیت و بهائیت در ایران حتی برای یک نسل.

پیوندهای بهائیت و یهودیت به ویژه با استقرار مرکز آن در فلسطین اشغالی از موضوعات

۱. حبیب لوی، *تاریخ جامع یهودیان ایران*، بازنوشته هوشنگ ابرامی، لس آنجلس، شرکت کتاب، ۱۹۹۷، ص ۳۸۰.

تحقیقی است که باید در جای دیگر مورد توجه باشد.^۱



تصاویر متنوع و متعدد از مدارس یهودی با لباس‌های متحدالشکل از نقاط مختلف کشور، به ویژه در آن عصر، حاکی از برنامه‌ریزی مشخص و هدفمند فعالیت‌های سازمانی صهیونیسم در ایران است. این تصاویر و تفاوت ظاهری خردسالان و کودکان یهودی با تصاویر مندرج در بخش «یهودی نجس» از همین کتاب، گویای این واقعیت است که آلیانس با یک اقدام همه‌جانبه، به دنبال آن است تا یهودیت در یک انقلاب مادی و اجتماعی از جایگاه اجتماعی خود ارتقا یافته، برای تشکیل دولت یهود آماده شود.

نکاتی از ترجمه و ویرایش

متأسفانه ویراستار محترم کتاب در هیچ‌یک از صفحات این بخش از کتاب توضیح یا تحشیه‌ای بر مدعیات نویسنده مقاله نرده است. گویی ادعای نویسنده مقاله در هیچ مقطعی موجب توجه یا مخالفت وی نشده است. به عنوان مثال فرازهای ابتدایی ستون اول از صفحه ۱۹۴، حمله به علمای شیعه و ضد یهود بودن آنها بی‌پاسخ مانده است. پاسخ‌هایی از این دست در فرازهای دیگری از متن نیز از ویراستار انتظار می‌رفت که برآورده نشده است.

ترجمه متنی از صفحه ۱۹۳ جا افتاده است. ذکر تاریخ عکس بالای صفحه ۲۰۲ فراموش شده است. خانه رقی از عکس پایین همین صفحه حذف شده است. یکی از سه عکس صفحه ۲۰۴ در پایین صفحه فاقد نام گروه «بارمیتصوا» است. توضیح عکس خانم کیونکا در صفحه ۲۰۷ حذف شده است. تصویر پایین صفحه ۲۱۷ توضیح اضافی دارد که حذف شده است. نام صحیح مدرسه مندرج در پایین صفحه ۲۲۰ «یاقوتی رال» می‌باشد و نه یعقوب. یک نفر از تصویر صفحه ۲۲۵ بیرون افتاده است، همچون صفحه ۲۳۰ که نام فرد سیزدهم در ذیل عکس

۱. متأسفانه تا کنون تحقیق مفصل و مستندی از این واقعیت عرضه نشده است.

ذکر شده است ولی فرد مورد نظر از عکس بیرون افتاده است.

ذکر موارد فوق حاکی از کم‌توجهی در ترجمه متن، صفحه‌آرایی، اسکن نمودن صحیح تصاویر و عدم توجه دقیق به ذکر صحیح اسامی مندرج در متن است.

ملاحظه

آلیانس و تاریخ آن در ایران و جهان از فرازهای مهم تاریخ یهود است که به اندازه اهمیت آن برای محققین و علاقه‌مندان به مقوله شناخت صهیونیسم، مورد توجه نبوده است. در حالی که با کنکاش در برخی منابع تاریخ یهودیان از جمله تاریخ یهود ایران یا حتی برخی آثار مستند همچون *سازمان‌های یهودی در ایران*، واقعیت‌های تلخی از عملکرد مزورانه یهود در انحراف جوامع می‌توان یافت.

آلیانس به عنوان مهم‌ترین مرجع پرورش فکری نه تنها برای یهودیان اهمیت و ارزش والایی داشت بلکه صهیونیسم با پرورش فکر صهیونیستی از میان غیر یهودیان، عناصر متعددی در دل ممالک غیر یهودی خلق کرد که در مواقع مقتضی در خدمت آرمان صهیونیسم و ایده‌های یهودی باشند. از این رو آلیانس بیش از این باید مورد تحقیق و موشکافی از حیث فعالیت و اهداف باشد.

◆ صهیونیسم

نویسنده نام ناآشنای مقاله صهیونیسم، «آوی دیودی» که به اشتباه «آوی داود» ذکر شده است، در ابتدای مقاله می‌کوشد تا میان یهودیت و صهیونیسم تفاوتی انکارناپذیر ترسیم نماید و یهودیان ایران را از آن دسته یهودیانی بداند که به صهیونیسم گرایش ویژه‌ای نداشته‌اند مگر اینکه امواج یهودستیزی در جامعه گسترش یابد. در واقع تفکر و ایده نویسنده به دنبال القای این مفهوم است که صهیونیسم نتیجه طبیعی آنتی‌سمیتیسم یا یهودستیزی است. در غیر این

صورت یهودیان به هیچ عنوان حاضر به ترک ایران نبوده‌اند و این همان همزاد بودن صهیونیسم با آنتی‌سمیتیسم است که «هرتزل» در ابتدای جنبش ملی یهود بر آن تأکید کرده بود و صهیونیست‌ها نیز بعدها به منظور تحقق ایده‌های خود با برافروختن امواج یهودستیزی در برخی مناطق که حتی یهودیان منفور نبودند، خیل وسیعی را از یهودیان به فلسطین اشغالی کوچ دادند. نمونه مهاجرت یهودیان از عراق و به ویژه بغداد با این روش، هیچ‌گاه از صفحه تاریخ محو نخواهد شد.

به طور کلی تاریخ صهیونیسم در ایران روایتی متفاوت با تاریخ صهیونیسم در جهان دارد. در واقع صهیونیسم در ایران با جریان اصلی فعالیت‌های صهیونیستی در جهان و به ویژه اروپا تفاوت‌های ماهوی بسیاری دارد و این تفاوت‌ها منجر به ارائه روایت‌های مختلفی از تاریخ آن نیز شده است.

با کنکاش در برخی منابع تاریخ یهودیان از جمله تاریخ یهود ایران یا حتی برخی آثار مستند همچون سازمان‌های یهودی در ایران، واقعیت‌های تلخی از عملکرد مزورانه یهود در انحراف جوامع می‌توان یافت.

به عنوان مثال حبیب لوی به هنگام بحث از تاریخ صهیونیسم در ایران مؤکداً به تاریخ شکل‌گیری و تکامل «انجمن صیونیت ایران» از ابتدا تا انقلاب اسلامی می‌پردازد در حالی که نویسنده مقاله صهیونیسم در کتاب *فرزندان استر*، دیدگاه دیگری را مطرح می‌نماید.

عده‌ای بر آن هستند تا اختلافات عدیده میان یهودیان در ایران را حول موضوع جدایی یهودیت از صهیونیسم تحلیل نمایند و حال آنکه اختلافات شخصی میان بعضی سران یهود در ایران به زعم بسیاری از جمله حبیب لوی^۱ تأمل‌انگیز است و نمی‌توان به سادگی از آن گذر

۱. حبیب لوی در *تاریخ یهود ایران* و خاطرات خود به نمونه‌هایی از این اختلافات اشاره می‌کند.

کرد.

مقوله بچه‌های تهران از اقدامات صهیونیستی بارز یهودیان ایران است که متفقا به منظور حل مشکل آنان، فعالیت‌های هماهنگی صورت گرفت و هر یک از جریان‌های یهودی موجود در ایران با کمک به حل مشکل آنان در کشور، افتخاری از همراهی با صهیونیسم برای خود فراهم کرده است. کتاب *دولت ایران و متخصصان مهاجر آلمانی* که توسط سازمان اسناد ملی ایران منتشر شده است،^۱ مجموعه اسنادی را ارائه کرده است که به مقوله مهاجرین یهودی در ایران می‌پردازد. این عده با گذر از کشورهای روسیه یا اروپای شرقی به ایران آمدند تا از ایران به فلسطین اشغالی مهاجرت نمایند.

در واقع ایران معبر مناسبی جهت انتقال یهودیان اروپا در آن زمان بود. بچه‌های تهران نیز بخشی از پروژه انتقال یهودیان اروپا از ایران به فلسطین اشغالی بود که مقالات متعددی پیرامون آن در منابع مرتبط با تاریخ یهود ایران آمده است.

صهیونیسم در ایران شاید به سه هدف غیر از آنچه اعلام می‌شد دست یافته بود که یکی حمایت مالی از اسرائیل با جمع‌آوری کمک و تأسیس صندوق‌هایی به این منظور و دیگری برخورداری از حمایت همه‌جانبه رژیم رضاخانی از فعالیت‌های آژانس یهود در ایران و نقل و انتقال‌هایی که برای کوچ دادن یهودیان از کشورهای مختلف از طریق ایران به فلسطین اشغالی دنبال می‌کردند و سوم برقراری و استحکام روابط تشکل‌های داخلی یهود در ایران بود تا موقعیت خود را در کشور حفظ کند و جایگاه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی یهودیان را ارتقا دهد و محتملا به همین دلیل یهودیان ایران به ویژه صهیونیست‌های دو آتش‌های همچون حبیب لوی هم حتی الامکان تمرکز فعالیت‌های خود به ویژه در عرصه مالی را در ایران قرار دادند تا در فلسطین اشغالی.

نکاتی از ترجمه و ویرایش

به غیر از اغلاط تایپی در این مقاله، مترجم در زمینه معادل‌سازی اسامی و برگردان اصطلاحات به فارسی اشتباهات متعددی داشته است. همچون جودائیسیم در صفحه ۲۳۱ که بهتر از آن یهودیت است. «روح‌الله ساپیر» به جای «سپیر» و یا «مناشح» به جای «مناشه» یا «اسحاق بن زوی» که در صفحه ۲۳۷ معادل انگلیسی آن ذکر شده است و در جای دیگر «موسی تاب» به جای «موسی طوب» و یا «حخالوتز» و «هاخالوتز» به جای «هاخالوتص»، «میر» به جای «مئیر»، «خانه هخالوتص» به جای «بیت هخالوتص»، «کاشفی» به جای «کشفی».

ضمناً در صفحات ۲۲۲، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۲، ۲۴۷، ۲۵۱ اشکالات ناخوشایندی از ترجمه وجود دارد.

انتظار می‌رفت در چنین مقاله مهمی از این اثر، ویراستار محترم به برخی ادعاهای نادرست نویسنده پانویشت زده و حداقل اشکال آن را گوشزد می‌کرد. به ویژه در خصوص مقاله بچه‌های تهران و آمار و ارقام مربوط به مهاجرین یهودی از ایران در انتهای مقاله یا تذکر در مورد نام صحیح «دیوار براق» به جای «دیوار غربی» در صفحات ۲۲۲ و ۲۲۳ و بعضی موارد کوچک ولی مهم این چنینی.

به هر ترتیب مقاله حاضر را نمی‌توان در حد و اندازه‌ای تصور کرد که شایسته یک مجموعه تحقیقی باشد، نه از حیث جامعیت مطالب و نه از حیث ادعاهای بی‌سند و کم‌اعتبار.

◆ زندگی سیاسی روشنفکران یهود

خانم «شیرین دخت دقیقیان» از جمله نویسندگان و مترجمان زن یهودی است که هم‌زمان در داخل و خارج از کشور فعالیت می‌کند و طبیعی است مقالات وی به گونه‌ای نوشته شود که

ملاحظه‌کاری در آن از هر جهت رعایت شده باشد. دقیقان تنها اثر خود پس از انقلاب اسلامی ایران را - که پیرامون دین یهود منتشر شده است و حاوی مطالب وسیع و گسترده‌ای می‌باشد - با زیرکی و دقت تمام و در فضای اصلاحات با نام *نردبانی به آسمان*^۱ به جناب آقای خاتمی تقدیم می‌کند.

از اعترافات غیر مستقیم در صفحه ۱۹۵ از متن ترجمه *فرزندان استر* آن است که عده زیادی از یهودیان به بهائیت تغییر دین داده‌اند. این واقعیت در آثار «حبیب لوی» نیز مشهود است و جالب اینکه حبیب لوی مهم‌ترین دلیل گرایش یهودیان به باپیت را افزایش یهودستیزی در ایران دانسته است.

این نویسنده زن اگر چه فضای پس از انقلاب را در ایران از دست نمی‌دهد ولی آن چنان که باید فعالیت گسترده‌ای نیز ندارد. در عین اینکه با ترجمه رمان و بعضی آثار عمدتاً ادبی به حضور خود در این عرصه استمرار می‌بخشد، به خارج از کشور و به ویژه ارتباط با «مرکز تاریخ شفاهی یهود ایران» نیز نظر دارد و با آنهایی که در لس آنجلس با علم کردن مراکز علمی تحقیقی، پیرامون یهود فعالیت می‌کنند، همکاری می‌کند.

اگر چه صراحت دقیقان همچون «هما سرشار» در بیان عقاید سیاسی و تاریخی نیست ولی دوزیست بودن وی باعث شده است ملاحظه‌کاری را به خوبی فرا گرفته و به کار بندد. مثل اینکه در ابتدای فعالیت نشریه انجمن کلیمیان ایران با عنوان «بینا» نام او در میان اعضای هیأت تحریریه به چشم می‌خورد ولی بعدها از این نام خبری نیست.

به هر حال شیرین‌دخت دقیقان از جمله نویسندگان، مترجمین و محققینی است که باید مطالب او را خواند و توجه کرد. اگر چه مقاله او حول زندگی سیاسی روشنفکران یهود در

۱. شیرین‌دخت دقیقان، *نردبانی به آسمان*، نیایش‌گاه در تاریخ و فلسفه یهود، ویدا، ۱۳۷۹.

فرزندان *استر* تنها یک تحلیل است و نه تحقیق.

او در این مقاله روشنفکران یهود ایران را به دو دسته صهیونیست و چپ‌گرا تقسیم می‌کند بدون اینکه حتی برای نمونه از یک مصداق نام ببرد. او ادعای کم‌نظیری از یهودستیز بودن رضاشاه ارائه می‌کند و حال آنکه دیگر محققان یهودی این‌گونه نظریات را حداقل با این صراحت بیان نمی‌کنند (صفحه ۲۶۱ از متن ترجمه). در جای دیگر (صفحه ۲۶۸) مدعی است که روشنفکران مسلمان ایران، به حمایت از هنرمندان، دانشمندان، فلاسفه و انقلابیون یهودی برخاستند که جای بسی تعجب است و تا زمان عدم ارائه مصداق، این تعجب وجود خواهد داشت. نکته عجیب دیگر که حاکی از محافظه‌کاری دقیقان است تأیید ظلم روا شده به فلسطینی‌ها در صفحه ۲۷۰ است و یقیناً ناشر کتاب *فرزندان/استر* با رعایت احوال دقیقان حاضر به درج این واقعیت در متن کتاب شده است.

در پایان مقاله بدون اینکه سخنی از انجمن روشنفکران کلیمی ایران پس از انقلاب به زبان آورد، قسمت روشنفکران یهودی ایران و انقلاب اسلامی را به پایان می‌برد. آن هم با اندک اشاره‌ای به این واقعیت که عمده مسئولین جامعه یهودیان ایران پس از انقلاب چپ‌گرا بوده‌اند و معلوم نیست که هم اکنون نیز چنین است یا خیر؟ بدین معنا که توده‌ای بودن یا عضو سازمان چریک‌های فدائی خلق بودن را می‌توان به مسئولین فعلی نسبت داد یا خیر؟ بگذریم که نقل قول‌ها در این خصوص متعدد و متنوع است.

«خاخام یدیدیا شوفط» در کتاب *خاطرات*^۱ خود داستان‌های جالبی از نحوه برخورد با این دسته از یهودیان چپ‌گرای پس از انقلاب بیان می‌کند. به ویژه اینکه در بسیاری موارد با یکدیگر مخالف بوده‌اند. ضمن آنکه نپخته عمل می‌کردند و به زعم شوفط بی‌محابا انقلابی بوده و به شاه و اسرائیل توهین می‌کردند.^۲

۱. *خاطرات خاخام یدیدیا شوفط*، تدوین و نوشتار منوچهر کهن، لس آنجلس، بنیاد فرهنگی خاخام یدیدیا شوفط،

بهار ۲۰۰۱.

۲. همان، ص ۲۹۲.

در مقاله دقیقیان از چند شخصیت به اصطلاح روشنفکر با ذکر دلایل مشهوریت و زندگینامه و حتی تصویر، سخن به میان آمده است و معلوم نیست که آیا مطالب ذیل این تصاویر توسط دقیقیان به نگارش درآمده است یا ویراستار کتاب که همان «هومن سرشار» است؟ این افراد عبارتند از: «موسیو شموئل حییم» با چند عکس متفاوت از زوایای مختلف با یک معرفی از شخصیت، زندگی و سرنوشت پرابهام وی که همانا اعدام به دست رضاشاه است. «عزیز آشر ابراهیم»، «ایوب لقمان نهورای» نماینده مجلس، «بنیامین نهورای»، «حبیب لوی» بدون ذکر زندگینامه، «سلیمان حییم»، «ایرج فرهود»، دکتر «همایون حکمتی»، «منوچهر امیدوار»، «موسی کرمانیان»، دکتر «رحمان کهن»، «روح‌الله خالپوری»، «مهین عمید»، «مشفق همدانی».

دقیقیان در انتهای مقاله خود معترف است که نگاه این مقاله دقیق نیست ضمن آنکه بدون اشاره به منبع نیز نوشته شده است. به هر حال باید در انتظار مطلبی با این محتوا با نگاهی دقیق و فارغ از ملاحظه‌کاری از وی باشیم.

نکاتی از ترجمه و ویرایش

به نظر می‌رسید ویراستار محترم فارسی کتاب حداقل در این بخش از کتاب با پانوشتهای خود به ابهامات و نکات سؤال‌برانگیز نویسنده مقاله پاسخ گوید که متأسفانه باز هم چنین نشده است. همچون گذشته در متن اغلاطی وجود دارد به ویژه در برگردان اسامی به شرح ذیل که صحیح آنها ذکر می‌شود.

در صفحه ۲۵۶ نام نشریه حییم ترجمه شده است در حالی که عنوان و اسم در ترجمه نباید معنی شود یعنی «ها حییم» نباید به «زندگی» ترجمه می‌شد.

در صفحه ۲۵۸ سطر اول از توضیح عکس ایستاده ردیف بالا صحیح است. در صفحه ۲۶۰ توضیح عکس «عزیز آشر» دچار مشکل در ترجمه است. توضیحات اضافی از تصاویر

«نهورای» و «لوی» در صفحه ۲۶۲ توسط مترجم حذف شده است.

در صفحه ۲۶۵ ستون دوم عنوان صحیح نشریه، «هاگنولا» صحیح است. در صفحه ۲۶۶ در توضیح عکس، «خالپری» صحیح است و نه «خال یاری» یا «خالپاری» و یا «خالپاری» که همه به اشتباه در یک پاراگراف تکرار شده است.

◆ یهودیان عراقی در ایران

یهودیان عراق از یهودیان باسابقه در منطقه خاورمیانه هستند. دائره‌المعارف *جودائیکا*^۱ در جلد هشتم و در ۱۸ صفحه به تشریح وضعیت یهودیان عراق از لحاظ تاریخی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و معیشتی از ابتدا تا زمان چاپ اثر می‌پردازد. تا قبل از مهاجرت وسیع یهودیان عراق به فلسطین اشغالی، مراجع مختلف^۲ جمعیت یهود عراق را با آمار سال ۱۹۴۷ به شرح ذیل در شهرهای مختلف عراق نشان می‌دهند که تفاوت نسبتاً زیادی با آمار مقاله مندرج در کتاب *فرزندان استر* پیرامون یهودیان عراق دارد.

کوت	۳۵۹	حله	۱۸۹۳
سلیمانیه	۲۵۶	اربیل	۴۲۲۶
عماره	۲۱۴۵	کربلا	-
بغداد	۷۶۸۲۵	موصل	۸۶۹۶
بصره	۹۳۸۸	دیاله	۲۸۵۰
کرکوک	۴۰۲۵	دیوانیه	۸۰۹
متفقیق	۶۴۴	دلایم	۱۶۶۱

جمع: ۱۱۵۷۷۷

۱. *Encyclopaedia Judaica*. Vol 8 . P1444 - 1463 .

۲. *Ibid* P. 1449 .

از این تعداد که در سال ۱۳۲۹ (۱۹۵۰) در منابع دیگر^۱ ۱۴۰/۰۰۰ نفر برآورد شده است، در سال ۱۳۳۱ (۱۹۵۲) پس از یک رشته عملیات تروریستی به ویژه در بغداد تنها ۵۰۰۰ نفر در عراق باقی ماندند.

عده زیادی معتقدند که این عملیات‌ها به دست صهیونیست‌ها طراحی و اجرا شد،^۲ چرا که یهودیان عراق به لحاظ موقعیت بالای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خود و همچنین ارتباط خوبی که با مسلمانان داشتند به هیچ عنوان حاضر به مهاجرت به فلسطین نبودند و صهیونیست‌ها با اجرای این عملیات‌ها، فضای موجود را ناامن کرده، آنها را مجبور به مهاجرت نمودند.^۳

یهودیان عراق به غیر از ایران و فلسطین اشغالی به کشورهای دیگری همچون هند نیز مهاجرت کرده‌اند. به عنوان مثال:

یهودیان بغدادی مجموعه‌ای از یهودیان سفاراد بغداد هستند که در قرن نوزدهم به هند مهاجرت کردند. آنها از نظر فرهنگی در سطح بالایی قرار داشتند و ثروتمند بودند. آنان صنایع بسیاری تأسیس کردند و بدین‌وسیله مشاغل زیادی به وجود آوردند... یهودیان بغدادی مؤسسه‌های

خانم «شیرین دخت دقیقیان» از جمله نویسندگان و مترجمان زن یهودی است که هم‌زمان در داخل و خارج از کشور فعالیت می‌کند و تنها اثر خود پس از انقلاب اسلامی ایران را که پیرامون دین یهود منتشر شده است و حاوی مطالب وسیع و گسترده‌ای می‌باشد با زیرکی و دقت تمام و در فضای اصلاحات با نام *نردبانی به آسمان* به جناب آقای خاتمی تقدیم می‌کند.

۱. دیوید هرست، تفنگ و شاخه زیتون، ترجمه رحیم قاسمیان، تهران، بنیاد، ۱۳۷۰، ص ۱۷۷.

۲. همان، ص ۱۷۰ - ۱۸۶.

۳. برای اطلاع بیشتر ر.ک: علیرضا سلطانشاهی، «واقعیت یهودستیزی»، پژوهش صهیونیست، مرکز مطالعات فلسطین، تهران، ۱۳۸۱، ص ۲۱۲، ۲۱۳.

دینی و خیریه مستقل و مدارس ویژه خویش را داشتند که در آنها به زبان انگلیسی تدریس می‌شد.^۱

از خانواده‌های یهودی مشهور از عراق می‌توان به خانواده «ساسون» اشاره کرد که اهمیت ویژه‌ای در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی در منطقه داشته است. این خانواده «سفارادی» بود که به امور بازرگانی، مالی و صنعتی اشتغال داشت و در شرق به ثروت و جایگاه چشمگیری رسید. این خانواده با بهره‌گیری از شبکه‌های گسترده بازرگانی و مالی‌اش در خدمت منافع سرمایه‌داری و امپریالیستی بریتانیا به ویژه در هند و چین بود. ریشه‌های این خانواده به عراق باز می‌گردد. زیرا پایه‌گذار خانواده، «شیخ ساسون بن صالح» (۱۷۴۹ - ۱۸۲۹) رئیس صرافان بغداد و به مدت چهل سال رهبر یهودیان این شهر بود. پسرش «دیوید ساسون» (۱۷۹۳ - ۱۸۶۴) به سال ۱۸۳۳ به هند رفت و در بمبئی که بدان روزگار دروازه بازرگانی هند و خاور دور بود، مستقر شد. دامنه تجارت وی عراق، ایران، چین، آسیای میانه، ژاپن و انگلستان را نیز فراگرفت. تجارت پنبه هندی، منسوجات انگلیسی و افیون (سه کالای مرتبط با ساز و کارهای استعمار بریتانیا در شرق) در انحصار او بود. ساسون در سال ۱۸۵۳ تابعیت انگلیسی گرفت و ثروتش در هنگام مرگ حدود پنج میلیون لیره بود.^۲

از دیگر شخصیت‌های بارز خانواده ساسون می‌توان به افراد ذیل اشاره کرد:

۱. «عبدالله (البرت) ساسون» (۱۸۱۷ - ۱۸۹۷)

۲. «ساسون دیوید ساسون» (۱۸۳۲ - ۱۸۶۷)

۳. «رائوبین ساسون» (۱۸۵۳ - ۱۹۰۵)

۴. «آرتور ساسون» (۱۸۴۰ - ۱۹۱۳)

۵. «ادوارد ساسون» (۱۸۵۶ - ۱۹۱۲)

۱. عبدالوهاب المسیری، «یهودیت و صهیونیسم»، *دائرة المعارف یهود*، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های تاریخ

خاورمیانه، جلد ۲، ص ۱۵۸.

۲. همان، جلد ۳، ص ۱۲۶.

۶. «سولومون ساسون» (۱۸۴۱ - ۱۸۹۴)

۷. «الیاس ساسون» (۱۸۲۰ - ۱۸۸۰)

۸. «یعقوب ساسون» (۱۸۴۴ - ۱۹۱۶)

۹. «ویکتور ساسون» (۱۸۸۱ - ۱۹۱۶)^۱

دارایی و فعالیت خانواده ساسون تا اندازه زیادی به منافع استعماری امپراطوری بریتانیا بستگی داشت، زیرا با رشد و گسترش استعمار بریتانیا در شرق افزایش یافت و با افول ستاره این امپراطوری در شرق کاهش یافت و از میان رفت.^۲

جایگاه این خانواده در نزد دربار ادوارد هفتم در انگلیس و اعطای لقب «بارون» به آلبرت ساسون^۳ از نشان‌های بارز روابط این خانواده با امپراطوری بریتانیاست.^۴

یهودیان عراق به عنوان یک تیره از یهودیان متمایز در جامعه ناهمگون اسرائیلی نیز دارای مشتقات مطرح دیگری همچون یهودیان کرد عراقی هستند که در تحولات حکومتی و سیاسی نیز مسئولیت‌های عمده‌ای بر عهده گرفته‌اند و یا اینکه حداقل همچون یهودیان مشهدی در آن دیار یا نقاط دیگر تمرکز یهودیان از جمله در لس آنجلس امریکا همچنان وجود داشته و زندگی می‌کنند.

نکاتی از ترجمه و ویرایش

معلوم نیست به چه دلیل مترجم محترم، جمعیت تقریبی پنجاه هزار نفری یهودیان بغداد را از متن به پانویشت برده است (ص ۲۷۳) و تعجب‌آور اینکه با معرفیت اسامی و نام‌هایی همچون

۱. همان، ص ۱۲۶، ۱۲۷.

۲. همان، ص ۱۲۷.

۳. همان.

۴. برای اطلاع بیشتر ر ک: آنتونی آفری، *ادوارد هفتم و دربار یهودی او*، با ترجمه ناهید سلامی و غلامرضا اسامی،

تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۱.

«سوخونت» و یا «باروخ بروخیم»، آنها را اشتباه نوشته یا در صفحه ۲۷۵ کلمه ارمنی را در متن اصلی مسیحی ترجمه کرده است.

ویراستار محترم در این مقاله نیز تحشیه‌ای بر مطالب نه چندان وزین آن زده است.



نویسنده این مقال به لحاظ عدم ورود تخصصی به مباحث مطرح در فصل هجدهم از متن ترجمه با عنوان «زبان‌ها و گویش‌های یهودیان ایران و افغانستان» خوانندگان محترم را به سه منبع مرتبط با گویش یهودیان ایران - که به فارسی به نگارش درآمده است - ارجاع می‌دهد. ضمن آنکه شاید مطالب مطرح در مقاله فارسیهود را نیز مفید بدانند. این کتب عبارتند از:

۱. ایران کلباسی، گویش کلیمیان اصفهان (یک گویش ایرانی)، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۳.

۲. هما دخت همایون، گویش کلیمیان یزد (یک گویش ایرانی)، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۸۳.

۳. ژیلبر لازار، شکل‌گیری زبان فارسی، ترجمه مهستی بحرینی، هرمس، ۱۳۸۴.

مباحث مطرح در این اثر: گویش‌شناسی

فارسی - یهودی، فارسی - یهودی کهن در میان پهلوی و ...

◆ قالی‌های یهودی - ایرانی

یهودیت از جمله ادیانی است که سمبل، نماد و تصویر در آن اهمیت محتوایی دارد و به نسبت سایر ادیان همچون اسلام و مسیحیت از علائم و نمادهای بیشتری

صهیونیسم در ایران شاید به دو هدف غیر از آنچه اعلام می‌شد دست یافته بود که یکی حمایت مالی از اسرائیل با جمع‌آوری کمک و تأسیس صندوق‌هایی به این منظور و دیگری برقراری و استحکام روابط تشکلی داخلی یهود در ایران بود.

یک فرد یهودی همراه با همسر خود به ایران می آیند و ضمن طی کردن یک دوره آموزشی در اسرائیل قبل از این سفر کار خود را با گردش در ایران از شیراز آغاز می کنند و در طول این سفر مجموعه ای از تصاویر و شاید هم اسناد و مدارک را جمع آوری کرده از ایران خارج می کنند. همان طور که موفق می شوند به هنگام ورود به ایران ۷۵ حلقه فیلم، پنجاه کاست، دوربین و ضبط صوت را با شگفتی از بازرسی فرودگاه مهرآباد بگذرانند.

برخوردار بوده است و هر یک از این نمادها بیانگر یک فلسفه و تاریخ در دین یهود است. صرف نظر از تأکید یهودیت بر مشاهده و سپس ایمان، می بایست تأکید یهودیان بر تقویت و توجه به تصویر و نماد و سمبل را به عنوان یک موضوع مستقل مورد تحقیق و بحث قرار داد.

آنچه در این مقاله مورد توجه است، نقش قالی و مفروشات در استمرار این ایده در تفکر یهود است. فرش یا قالی به عنوان یکی از ابزارهای ماندگاری و انتقال یک مفهوم در یک مدت طولانی مورد توجه است و چه بسا نسل‌هایی بگذرند و این مفاهیم از همین طریق منتقل شوند.

عمدتاً این مفاهیم نیز از تاریخ و فلسفه تاریخ یهود ناشی می شود. به گونه ای که در اکثر فرش های یهودی از تاریخ یهود مکرر و از زوایای مختلف، مباحثی ذکر شده است. گویی داستان جزء لاینفک از ماهیت تاریخ یهود است. پیوستگی و درهم تنیدگی تاریخ، داستان و تصویر^۱ از جمله مشخصه های اصلی در اقناع روح ماتریالیست پرور یهود است که در عصر حاضر قالب های جدیدتری یافته است.

نویسنده مقاله مناسب دیده است تا از رهگذر این مقال کنایه هایی به مسلمات تاریخی نیز

۱. برای اطلاع بیشتر به مقاله «کلامی - تصویری» اثر استاد شمس الدین رحمانی در پژوهش صهیونیست، نشر مؤسسه ضیاء اندیشه در سال ۱۳۷۶ مراجعه کنید.

وارد کند. از جمله قدمت و اصالت فرش ایرانی یا اضمحلال قدرت کشاورزی یهودیان از طریق مالیات‌های سنگین مسلمانان در عربستان (صفحه ۲۹۲ از متن فارسی) یا لطمه دیدن بافندگان یهودی با ورود اسلام به خاورمیانه (صفحه ۲۹۲ از متن اصلی).

نکر داستان چندین باره از افاضات «حکیم نور محمود» و چاپ تصویر او از زوایای مختلف و با اندازه‌های متنوع حتی در مقالاتی که اساساً هیچ ارتباطی با موضوع ندارد از تأکیدات خارج از عرف یهودیان برای القای یک ایده و مفهوم است.

چند سال گذشته در گذر از یک خیابان با یک فرش فروشی بزرگ برخورد کردم که مقابل ویتترین آن تابلوفروشی نسبتاً بزرگ از تاریخ یهود آویزان شده بود. در عین خودداری حیفم آمد که اصل ماجرا را جويا نشوم. باب گفتگو با صاحب مغازه را گشودم و ایشان در توضیح خود بیان داشتند که این فرش کار تبریز است و یهودیان آن را سفارش داده‌اند و حتی حاضرند برای آن قیمت‌هایی بالا پرداخت کنند. در واقع یهودیان برای حفظ تاریخ و انتقال آن از هنر ایرانی بهره جسته‌اند. تاریخی که به هر شکل و حتی ناخوشایند در منظر ما باشد. همچون قالی مندرج در صفحه ۲۹۸ از متن فارسی که تصویری از «سر هربرت ساموئل» را آورده است و بسیار بجا بود که مترجم یا ویراستار کتاب حداقل اسم این فرد را بدون معرفی درج می‌کردند.

سر هربرت ساموئل اولین کمیسر عالی انگلیس در فلسطین بود. او در سال ۱۹۲۳ به این سمت منصوب شد و تا سال ۱۹۲۵ در این پست باقی ماند.

از میان کمیسرهای عالی انگلیس در فلسطین سر هربرت ساموئل جایگاه خاصی را به خود اختصاص داده است. وی به عنوان اولین کمیسر عالی انگلیس در فلسطین منشأ خدمات فراوانی برای یهودیان گردید. وی عضو حزب لیبرال و نخستین یهودی پس از بنیامین دیزرا ئیلی است که به مقام وزارت کشور انگلستان رسید. به لحاظ هواداری از جنبش ملی یهود حتی پیش از مطرح شدن فلسطین در زمان تقسیم امپراطوری عثمانی

خواستار تقدیم بعضی استان‌ها به یهودیان بود. خدمات وی در این پست به عنوان یک یهودی از سوی یک دولت بی‌طرف [!!!] به آنجا ختم شد که وی را عزرای دوم و فرمانروای اسرائیل پس از اسارت بابلی ملقب نمودند.^۱

◆ سفر ایران

یک فرد یهودی همراه با همسر خود به ایران می‌آیند و ضمن طی کردن یک دوره آموزشی در اسرائیل قبل از این سفر کار خود را با گردش در ایران از شیراز آغاز می‌کنند و در طول این سفر مجموعه‌ای از تصاویر و شاید هم اسناد و مدارک را جمع‌آوری کرده از ایران خارج می‌کنند. همان‌طور که موفق می‌شوند به هنگام ورود به ایران ۷۵ حلقه فیلم، پنجاه کاست، دوربین و ضبط صوت را با شگفتی از بازرسی فرودگاه مهرآباد بگذرانند.

متأسفانه مترجم محترم فرزندان استر در این مقاله چند اقدام نامناسب انجام داده است که مهم‌ترین اقدام، حذف برخی توضیحات پیرامون بعضی مراسم‌ها است که به زعم ایشان اضافی بوده است و در برخی فرازها از خود عبارات مطابق با متن ابداع کرده است. همچون «فاتحه» در مراسم سوگواری (صفحه ۳۲۴ و ۳۲۶ از متن فارسی) که مختص به مسلمانان است.

بی‌دلیل نیست که بنا بر اعتراف سفرنامه‌نویس، در طول سفر، وی را عضو سیا بنامند یا به عبارت بهتر در خدمت عوامل صهیونیسم و موساد فرض نمایند، آن هم دقیقاً پس از مهم‌ترین جنگ میان اعراب و اسرائیل در سال ۱۳۴۶ (۱۹۶۷).

آنچه از این سفر پربار به ما و خوانندگان فرزندان استر می‌رسد، تصاویر متعددی از کنیسه‌ها، خانه‌ها و مراکز یهودی‌نشین در ایران است که با اندک مطلب مقدمه‌گونه آن توسط مترجم محترم ضایع شده است.

۱. علیرضا سلطانشاهی، «پیدایش صهیونیسم و نقش قدرت‌های جهانی»، اطلاعات، (۱۳۷۹/۸/۱۶).

شاید زیبنده یک ترجمه نباشد که در جایی که معنای یک کلمه را نداند آن را ترجمه نکند همچون «میقوه» در صفحه ۳۳۰ از متن فارسی یا حداقل برای اطمینان از نحوه نگارش «شالیح صیبور» به هیچ متن عبری و یا فرهنگ عبری مراجعه نکند و آن را به صورت دیگری بنویسد و از معنای آن نیز غافل شود. نگارش اشتباه چندین باره «میزراحی» و یا «گبای» در صفحه ۳۲۹ از متن فارسی دیگر شرح مفصل نمی‌خواهد.

◆ زندگی روزمره

حوادث مهم زندگی از جمله تولد، جشن تکلیف، ازدواج و مراسم سوگواری از جمله حوادثی است که در تمام فرهنگ‌ها آداب و مناسک خاص خود را دارد و در یهودیت نیز چنین مراسمی وجود دارد.

متأسفانه مترجم محترم *فرزند/ان* *استر* در این مقاله چند اقدام نامناسب انجام داده است که مهم‌ترین اقدام، حذف برخی توضیحات پیرامون بعضی مراسم‌ها است که به زعم ایشان اضافی بوده است و در برخی فرازها از خود عبارات مطابق با متن ابداع کرده است. همچون «فاتحه» در مراسم سوگواری (صفحه ۳۲۴ و ۳۲۶ از متن فارسی) که مختص به مسلمانان است. ضمن آنکه همچون گذشته از ذکر بعضی اصطلاحات به دلیل بی‌اطلاعی از معنای آن صرف نظر کرده است.

هم اکنون به دلیل اهمیت اطلاع از فرهنگ عمومی و دینی یهودیان ایران و آشنایی با برخی اصطلاحات مختص به این دین از یک منبع موثق، برخی عبارات همراه با معنی و مفهوم آن به شرح ذیل گرد آمده است تا ضمن رفع ابهام از بعضی اصطلاحات مندرج در این متن، فراتر از آن با برخی کلمات و اصطلاحات نیز آشنا شوید.^۱

۱. *خاطرات حاخام ییدییا شوفط، بخش واژه‌نامه، دربرگیرنده این واژه‌ها می‌باشد. همچنین فرهنگ واژه‌های عبری چاپ اورشلیم نیز منبع مناسبی است.*



تورات

آرون هقدش: جایگاهی که تورای مقدس را در کنیسا در آن جای می‌دهند. ارون به معنای صندوق یا گنجه است. قودش به معنای مقدس.

آسور: ممنوع، غیر مجاز، حرام

آلفبت: الفبای عبری

آحره موت، قدوشیم امور: بعد از وفات مقدسان، درباره آنها بگو.

بت دین: دادگاه شرعی یا دادگاه.

بت همیدراش: مدرسه یا جایگاه

آموزش تورا

براخا: برکت

بریت میلا: عهد ختنه

بیت همیقداش: بیت المقدس

پاتح الياهو: قسمتی از کتاب زوهر است.

پاراشا: یک قسمت

پاسوق: آیه

پیغام: معیوب

تعنیت: روزه گرفتن

تشنووا: توبه

تفیلا: نماز و نیایش



تفیلین

تفیلین: نام دو جعبه مکعبی شکل کوچک چرمی که آیات ویژه‌ای را از تورا روی پوست نوشته داخل آن می‌گذارند و در طول روزهای عادی به جز روزهای شب‌ت و اعیاد، هنگام تفیلای بامداد یا در روز، به وسیله بندهای چرمی باریک به پیشانی و بازوی چپ می‌بندند.

تَقَانُوتِ هَقِّهَال: مقررات یا آئین‌نامه جماعت

تهیلیم: کتاب زبور حضرت داود



حویا



سوکا

توراتنو هقدوشا: تورای مقدس ما

حخامیم: جمع حاخام، علما، دانایان

حق لئیسرائل: احکام روزانه

حویا: حجله عروسی

خالوتص: پیش آهنگ

داراش: تفسیر و توصیف مطالب تورا

ربانوت: هیأت چند نفری از حخامیم که

به گرد هم آمده و برای مصالح جامعه

شور و پیشنهاد می دهند.

سِفِر: کتاب، مفرد اسفار

سلیحوت: بخشایش

سوخنوت: نمایندگی

سوکو: سایبان و سوکوت جمع سوکا

است.

سیدور: کتاب دعای یهودیان

سمیخا: اجازه نامه مذهبی برای انجام ذبح

یا مراسم عقد

شالوش تفیלות: سه نماز، هر یهودی

موظف است سه مرتبه در روز تفیلا

بخواند. تفیلا صبح گاهان که به آن

شَحَریت گویند. تفیلا ظهر که به آن مینحا گویند و تفیلا شب که به آن عَرَویت گویند.

شالیح صیبور: پیشنهاد



شبات: روز هفتم از ایام هفته را شبات گویند. شبات روز معنوی است که در آن نباید هیچ‌گونه کار تولیدی انجام پذیرد و می‌باید با استراحت جسمانی همراه بود و به نیازهای روح پرداخت.

شحیطا: ذبح مذهبی

شطارن: سند

شوحط: ذابح

شیرا: سرود، سرود مذهبی

تالیت، صیصیت: پوششی که در چهار گوشه آن اشربه تعبیه شده است و به هنگام تقیلا صبحگاهی در ایام هفته و شبات و اعیاد پوشیده می‌شود.

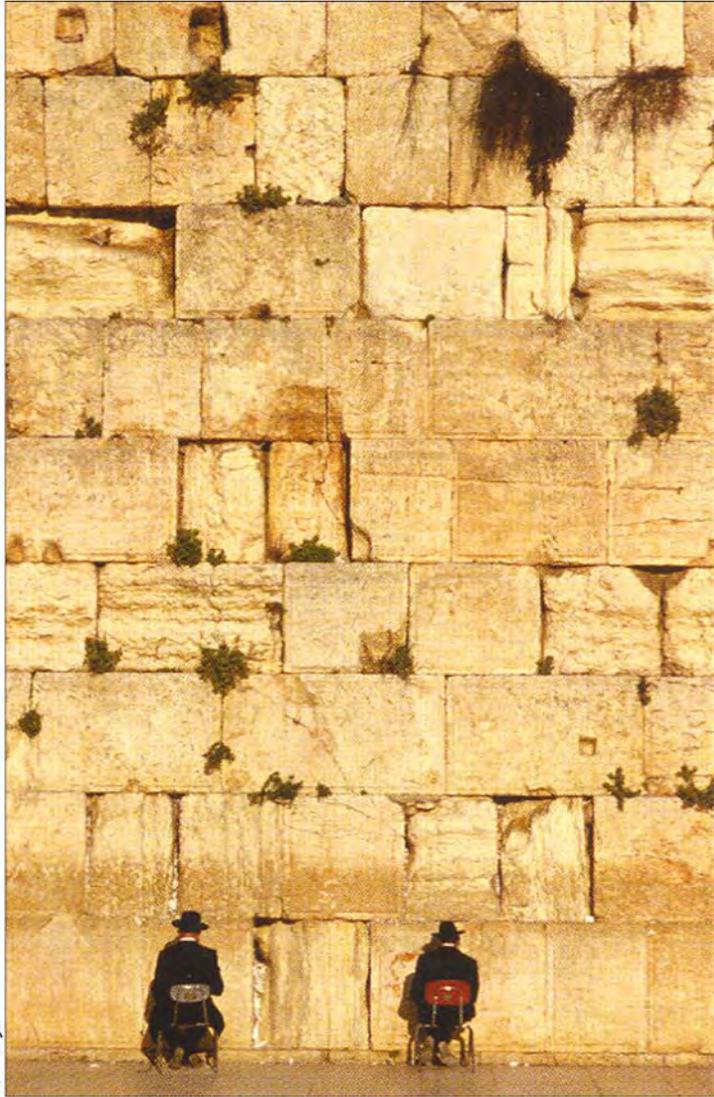
طویلا: غسل مذهبی

عَسارا: ده، در نمازهای دسته‌جمعی یهودی حتما ده مرد برای برگزاری آن لازم است.

علیا: بالا رفتن و اعتلا، وقتی فردی برای قرائت تورا دعوت می‌شود تا براخا بگوید.

عود زارآ: عبادت بیگانه، منظور بت پرستی است.

کاشر: درست [به غذایی که با رعایت دستورات مذهبی تهیه می‌شود].

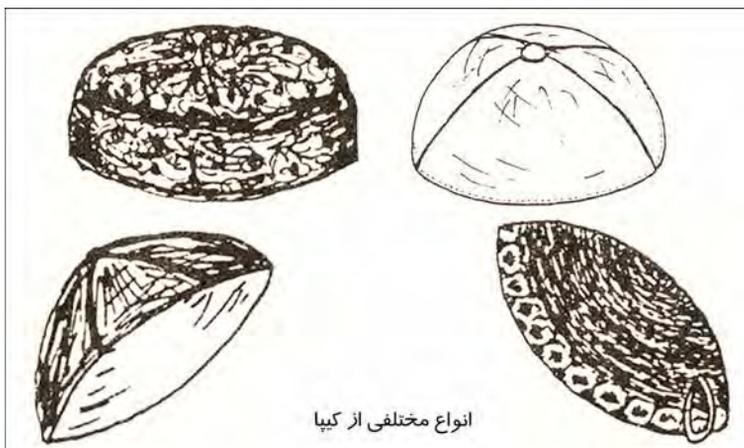


دیوار ندبه

کُتل همعراوی: دیوار غربی، دیوار ندبه [یا همان دیوار براق]

کتوبا: سند ازدواج شرعی

گالوت: جلای وطن و غربت



انواع مختلفی از کپیا

کپیا: عرقچین یهودی و کپیوت جمع آن است.

گر صدق: کسی که طبق آئین یهودی، یهودیت را پذیرفته و بر اساس آن زندگی می‌کند. [البته

مراحلی دارد و زمان زیادی به طول می‌انجامد].

گُزرا: حکم، قدغن کردن

گوئیم: امت‌ها یا اقوام غیر یهودی

منورا: شمعدان هفت‌شاخه



منورا یا شمعدان هفت‌شاخه

موهل: کسی که مراسم ختنه مذهبی را انجام می‌دهد.

میتصوا: امر، به صورت گسترده هر عمل نیک نسبت به دیگران و خود را گویند. [زمان تکلیف برای پسران بارمیتصوا و زمان تکلیف برای دختران نیز بت میتصوا نامیده می‌شود].

میقوه: محل غسل پاکی، حوضی که با شرایط خاص ساخته می‌شود. [عمدتا برای زنان و شکل آن همچون چاهی است به ارتفاع قامت یک انسان]

میلا: ختنه

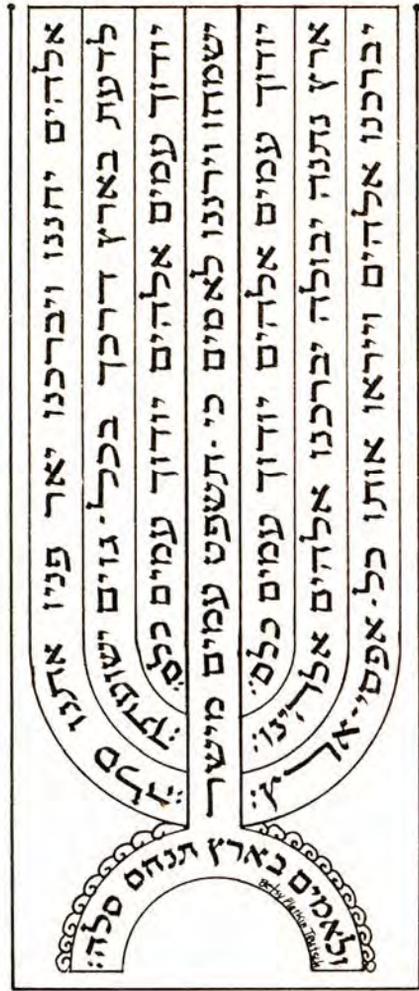
هشکاو: دعای ویژه برای آرامش روان

درگذشتگان

هلاخا: شرع

ادامه دارد...

למנוחה בנגינת מזמור שיר:



منورا یا شمعدان هفت شاخه